

## تأثیر مدیریت مشارکت‌جو در پایداری منابع آب و خاک طرح حبله‌رود

رضا رسولی، مجتبی رجب‌بیگی\*، صمد داداشی و میترا سعیدعصر<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱)

### چکیده

این تحقیق به منظور بررسی تأثیر مدیریت مشارکت‌جو در پایداری منابع آب و خاک طرح حبله‌رود (روستای آرو) صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق ۳۶ نفر از مدیران و کارشناسان دخیل در طرح حبله‌رود بودند که از طریق مصاحبه بسته و پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند. روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع، پیمایشی بود. با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون آزمون آماری انجام گرفت. نتایج آزمون مشخص می‌کند که در طرح حبله‌رود بین مدیریت مشارکت‌جو با پایداری منابع آب، پایداری منابع خاک، بهبود برنامه‌ریزی نهادهای سنتی محلی و حفظ محیط‌زیست رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مشارکت‌جو، توسعه پایدار، حبله‌رود، پایداری منابع آب و خاک.

۱- به ترتیب استادیار دانشگاه پیام نور مرکز تهران، دانشیار موسسه آموزش عالی علمی \_ کاربردی وزارت جهادکشاورزی، و کارشناسان ارشد مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

\*- مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: rajabbaigy@gmail.com

## مقدمه

مشارکت که از دیر باز با زندگی انسان پیوند داشته به معنای مردم سالاری، یکی از میراث‌های کهن یونان باستان است که پس از یک فراموشی طولانی، در عصر حاضر در اندیشه‌های آدام اسمیت به عنوان "نیرومند کردن و قدرت بخشیدن" دگرباره شکل گرفت و در هیات "واگذاری قدرت به مردمان" در جوامع مختلف، روزهای رو به رشد و پویایی خود را طی می‌کند (Duggan, 2011). از دویست سال پیش مشارکت در نظام سیاسی کشورهای باختری راه یافته و آرام آرام مراحل تحول و دگرگونی کارساز را پیموده است. افزایش مشارکت مردم در کار، ناشی از توجه به منابع انسانی است که موجب افزایش مسئولیت‌پذیری، اقتدار در تصمیم‌گیری و افزایش انگیزش آنان می‌گردد (فقیهی و رجب بیگی، ۱۳۸۲). مدیریت مشارکت‌جو که به مفهوم مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری است (Hema, 2011)، ابزاری است بسیار کارآمد بر پایه انگیزشی تحول‌ساز در مدیریت، به گونه‌ای که با به کارگیری آن، کشورهای توسعه‌یافته توانسته‌اند گام‌های بسیار بلند و سریعی در مسیر توسعه و رشد بردارند. صاحب‌نظران مدیریت عقیده دارند که مهمترین جهش فناوری و اقتصادی در کشورهای اروپائی همانا استفاده فراگیر از نظام مدیریت مشارکت‌جو بوده است (طوسی، ۱۳۷۲). ضرورت حیاتی توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بر کسی پوشیده نیست. نیل به توسعه روستایی مستلزم حضور مشارکت روستائیان در این فرآیند است. اغلب مشاهده گردیده است که هرگاه مردم روستایی در جریان برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گیرند منشاء تأثیر مطلوب و ضامن اجرای موفق آن برنامه‌ها خواهند بود (بساطی، ۱۳۷۸). اینکه چه بستری باید مهیا شود و چه سازوکار و الگویی به کار بسته شود و بر اساس چه نگرشی حرکت شود تا زمینه‌های ایجاد مشارکت نهادینه مردم در فرایند توسعه مناطق روستایی مهیا گردد، پرسشی است که پاسخ به آن آسان نیست. مناطق روستایی کشورمان با سه مشکل عدیده اقتصادی، مدیریتی و کمبود مشارکت مردمی روبرو هستند که فرآیند توسعه پایدار در این

مناطق را با مانع روبرو ساخته و اجرای برنامه ساماندهی توسعه و تولید در این مناطق را از رسیدن به هدف نهایی خویش محروم می‌کند (مافی، ۱۳۸۵). در ابتدا مشارکت با دیدگاه مشارکت ابزاری دنبال می‌شد، یعنی مشارکت مردم به صورت خودیاری، کار کارگری و... هدف تحقق مشارکت بود. در حالی که مشارکت در مفهوم اصلی، مشارکت از نوع نهادینه و فرآیندی مستمر است که مشتمل بر مشارکت جامعه روستایی از مرحله اعلام نیاز تا حفاظت و نگهداری پروژه. از این نوع مشارکت به عنوان توسعه یاد می‌شود (Kim, 2002). تا قبل از دهه ۱۹۸۰ برنامه توسعه روستایی بر مبنای استفاده از نظرات افراد متخصص به عنوان تصمیم‌گیر و طراح الگوی توسعه در جوامع روستایی انجام می‌گرفت. بر این اساس این افراد بودند که مسایل و مشکلات جوامع محلی را بهتر از ساکنین مردم می‌دانستند و راه حل مشکل را نیز خود پیدا می‌کردند. ناکارآمدی این دیدگاه و روش بود که منجر به اتخاذ دیدگاه مشارکت توسعه‌ای (پایدار) در فرآیند توسعه روستایی گردید. چنین رهیافتی مردم‌مدار است و نقش جوامع محلی در فرآیند توسعه پایدار عامل تعیین‌کننده به شمار می‌رود (مافی، ۱۳۸۵).

یکی از متداول‌ترین شیوه‌های مشارکت در فعالیت‌های توسعه منابع طبیعی (حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری بهینه)، مشارکت در قالب نظام‌های مشارکت محلی می‌باشد (Elton, 1993). مدیریت مشارکت‌جو در فعالیت‌های منابع طبیعی و آبخیزداری و نیز تحولات و پیشرفت‌های نظری در زمینه توسعه روستایی یعنی مطرح شدن مباحث نوینی همچون توسعه پایدار در بخش آب و خاک و منابع طبیعی، گسترش نهادها و مؤسسات پایدار محلی و نقش آنها در توسعه پایدار. بنابراین، دگرگونی بنیادین در رهیافت مبتنی بر پروژه (رهیافت تکنوکراتیک و انحصارگر) به سمت رهیافت مشارکتی ضروری است که در برگیرنده مشارکت جوامع محلی و عوامل ذیربط در فرآیند توسعه همراه با برنامه‌ریزی مشارکتی است (Rice, 1953). توسعه اراضی کشاورزی و قطع اشجار و تخریب و هدررفت منابع آب و خاک، مستلزم اتخاذ تصمیم‌های همه جانبه و هماهنگ در ابعاد

بخشی و میان‌بخشی در نهادهای دولتی و غیردولتی ذی‌ربط به منظور تسهیل مدیریت صحیح منابع آب و خاک و حوضه مدار یاری خواهد رساند (Dugglas, 2005). بنابراین پژوهشی با هدف تاثیر مدیریت مشارکت‌جو در پایداری منابع آب و خاک طرح حبله‌رود (روستای آرو) صورت گرفت تا از این طریق بتوان به توسعه پایدار منابع آب و خاک کمک کرد.

### روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است که با روش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. همچنین از مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی موضوعات مرتبط با تحقیق استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق ۳۶ نفر از مدیران و کارشناسان مشارکت‌کننده در طرح حبله‌رود بودند، که از طریق مصاحبه و پرسشنامه بسته مورد آزمون قرار گرفتند. پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای بود که به منظور تعیین رویای آن، پس از تهیه طرح اولیه پرسشنامه از سوی چند تن از اساتید و کارشناسان در حوزه منابع طبیعی و مدیریت مورد بررسی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات مورد نظر، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. با استفاده از نرم افزار spss داده‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل مدیریت مشارکت‌جو جداگانه محاسبه شد. ضرایب آلفای کرونباخ نشانگر پایایی خوب عوامل مدیریت مشارکت‌جو است (جدول ۱).

### یافته‌ها و بحث

به منظور بررسی ارتباط بین مدیریت مشارکت‌جو و سایر مولفه‌های پژوهش، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد و سپس آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی انجام شد. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع آب (۰/۷۲۲) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار است.

مختلف، طراحی و اجرا مبتنی بر اصول مشارکت در چارچوب توسعه پایدار است. از طرف دیگر با توجه به کمبود امکانات دولتی، کار حفظ و نگهداری از منابع آب و خاک از عهده یک نهاد یا سازمان حتی دولت به تنهایی خارج است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸). در تحقیقی که شفقتی (۱۳۸۴) در باره اثرات جلب مشارکت‌های مردمی و مدیریت مشارکت‌جو در حفظ و احیاء منابع طبیعی و عملیات آبخیزداری انجام داد این نتیجه حاصل شد که بسیاری از فعالیت‌های حفظ و نگهداری منابع طبیعی کشور را مردم می‌توانند انجام دهند. متأسفانه تحقیقاتی که به طور مستقیم در رابطه با موضوع تحقیق در کشور انجام شده باشد، یافت نشد.

برنامه اقدام ملی مدیریت پایدار منابع آب و خاک براساس برنامه مشترک میان برنامه توسعه و عمران ملل متحد (UNDP) و دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۶ آغاز شد. هدف آن، درک بهتر مشکلات مربوط به مدیریت پایدار منابع آب و خاک کشور در سطحی معادل ۱/۲ میلیون هکتار از حوزه آبخیز حبله‌رود به عنوان یک منطقه الگویی بود. مقصود اصلی برنامه، ارائه روش‌ها، فناوری‌ها و ابزارهای مناسب برای فائق آمدن بر موارد زیر بود:

- تخریب مداوم منابع آب و خاک
  - مشارکت محدود مردم در تصمیم‌گیری
  - فقدان رهیافتهای جامع‌نگر و یکپارچه در برنامه‌ریزی توسعه
  - ضعف منابع انسانی و تشکیلاتی
  - برنامه‌ریزی و مدیریت ناپایدار منابع
- در فاز اول، تجربه با ارزشی کسب شد و آن عبارت بود از اینکه چگونه می‌توان بر مشکلات مردم روستایی در مدیریت پایدار منابع آب و خاک حوزه آبخیز حبله‌رود فائق آمد. انتظار می‌رود که این امر در سایر مناطق ایران نیز تکرارپذیر باشد. بر همین اساس یکی از اهداف برنامه‌های این طرح در فاز دوم تدوین برنامه راهبردی حوزه آبخیز حبله‌رود بود. استنباط بر این بود که تدوین برنامه راهبردی و برنامه اقدام مرتبط با آن درحوضه حبله‌رود به عنوان اولین تجربه ملی، به طراحی الگویی کاربردی از نظر ایجاد و تقویت سازوکارهای هماهنگی

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ برای مولفه‌های پرسشنامه

مولفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
منابع آب	۰/۸۶۷
منابع خاک	۰/۸۹۸
بهبود نهادهای سنتی	۰/۹۱۰
حفظ محیط‌زیست	۰/۸۶۵
مدیریت مشارکت‌جو	۰/۷۱۲

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع آب رابطه معنی‌دار وجود دارد. قابل ذکر است که این ضریب همبستگی مثبت است، بدین معنی که با افزایش مدیریت مشارکت‌جو، پایداری منابع آب افزایش می‌یابد. ضریب تعیین محاسبه شده نشانگر آن است که بطور کلی ۵۲/۱۲ درصد از پایداری منابع آب را می‌توان توسط مدیریت مشارکت‌جو تبیین نمود. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی میان مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع خاک (۰/۵۴۲) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع خاک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش مدیریت مشارکت‌جو، پایداری منابع خاک افزایش می‌یابد. ضریب تعیین محاسبه شده نشانگر آن است که بطور کلی ۲۹/۳۸ درصد از پایداری منابع خاک را می‌توان توسط مدیریت مشارکت‌جو تبیین نمود. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مدیریت مشارکت‌جو و بهبود برنامه‌ریزی

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع آب رابطه معنی‌دار وجود دارد. قابل ذکر است که این ضریب همبستگی مثبت است، بدین معنی که با افزایش مدیریت مشارکت‌جو، پایداری منابع آب افزایش می‌یابد. ضریب تعیین محاسبه شده نشانگر آن است که بطور کلی ۵۲/۱۲ درصد از پایداری منابع آب را می‌توان توسط مدیریت مشارکت‌جو تبیین نمود. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی میان مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع خاک (۰/۵۴۲) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که بین مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع خاک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که با افزایش مدیریت مشارکت‌جو، پایداری منابع خاک افزایش می‌یابد. ضریب تعیین محاسبه شده نشانگر آن است که بطور کلی ۲۹/۳۸ درصد از پایداری منابع خاک را می‌توان توسط مدیریت مشارکت‌جو تبیین نمود. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی مدیریت مشارکت‌جو و بهبود برنامه‌ریزی

جدول ۲- همبستگی نمرات مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع آب

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنا داری	ضریب تعیین
مدیریت مشارکت‌جو - منابع آب	۳۶	۰/۷۲۲*	۰/۰۰۱	۵۲/۱۲
مدیریت مشارکت‌جو - منابع خاک	۳۶	۰/۵۴۲*	۰/۰۰۱	۲۹/۳۸
مدیریت مشارکت‌جو - برنامه ریزی نهاد سنتی	۳۶	۰/۵۱۱*	۰/۰۰۱	۲۶/۱۱
مدیریت مشارکت‌جو - حفظ محیط زیست	۳۶	۰/۶۰۸*	۰/۰۰۱	۳۶/۹۷

\*= $p < 0.01$

منابع طبیعی و کشاورزی به عنوان مکمل روش‌های علمی مدیریت لحاظ گردد (Moayedi, 2010). ارتباط بین مدیریت مشارکت‌جو و پایداری منابع خاک مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد که مدیریت مشارکتی بر روی پایداری منابع خاک موثر است یا به عبارتی می‌توان گفت که یکی از عوامل موثر در پایداری منابع خاک، وجود مدیریت مشارکت‌جو است. لازمه مدیریت مشارکت‌جو یادگیری و ارتقا سطح دانش و بینش مشارکت‌جویان است. از این رو با توجه به نتایج حاصل از تحقیق به منظور جلوگیری از تغییر کاربری اراضی که منجر به تخریب منابع آب و خاک شده و اثرات منفی بر روی اکوسیستم و استمرار معاش مردم منطقه خواهد داشت، بهتر است آگاهی بهره‌برداران افزایش داده شود و آموزش‌های لازم در منطقه صورت پذیرد. همچنین جهت جلوگیری از افت کمیت و کیفیت آب و پایین افتادن سفره‌های زیرزمینی، از بین رفتن کمیت آبها و کاهش تولید و از بین رفتن خاک منطقه و پیامدهای ناشی از آن با استفاده از مدیریت مشارکت‌جو در بهره‌برداری مطلوب از سرزمین الزامات زیست‌محیطی رعایت گردد.

برای بررسی میزان تاثیر عوامل پایداری منابع آب، پایداری منابع خاک، بهبود برنامه‌ریزی نهادهای سنتی محلی و حفظ محیط‌زیست بر مدیریت مشارکت‌جو از روش رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به معنی‌داری آزمون F در سطح کمتر از ۰/۰۰۱، مدل رگرسیون خطی معنی‌دار است. نتایج برآورد مدل معنی‌دار در قالب ضرایب رگرسیون در جدول ۴ ارائه شده است. با توجه به اینکه B ضریب رگرسیون حاصل از نمرات خام است و با توجه به آزمون معنی‌داری t برای ضریب رگرسیون مولفه پایداری منابع آب می‌توان چنین بیان کرد که از بین مولفه‌های وارد شده در آزمون رگرسیونی، مولفه پایداری منابع آب در تاثیرپذیری بر مدیریت مشارکت‌جو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مدیریت مشارکت‌جو در پایداری منابع آب موثر است. بر همین اساس باید نقش‌های بیشتر مردم شناسایی و دانش بومی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی

جدول ۳- نتایج معنی‌داری مدل رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	R	R <sup>2</sup>	F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۰/۵۰۶	۱				
باقیمانده	۴۶/۴۹۴	۳۴	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	۳۹/۹۳	۰/۰۰۱
جمع	۹۷/۰۰۰	۳۵				

جدول ۴ - ضرایب رگرسیون

متغیر	B	خطای معیار	Beta
ثابت	۱/۵۴۱	۰/۸۳۹	
منابع آب	۰/۳۱۸	۰/۰۵۲	۰/۷۲۲

تعاونی‌ها، تشکل‌ها و گروه‌ها ایجاد گردد. شیوه‌های کارآمد مدیریت مشارکتی بسط داده و نهادی شود و نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکز و سازمان‌های محلی ایجاد گردد. به نیازهای روستائیان توجه بیشتری شود و در عین حال نقش‌های بیشتری به مردم محول گردد. از آنجائی که مدیریت مشارکت‌جو با حفظ محیط‌زیست در طرح حبله‌رود ارتباط معنادار دارد می‌باید، شناسائی، حفظ، احیاء و تنوع زیستی (گیاهی و جانوری) و استعدادهای گردشگری در ایجاد معیشت پایدار و رفع مشکل بیکاری منطقه، در دستور کار دست‌اندرکاران قرار گیرد. از سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به منظور شناساندن محیط‌زیست و معضلات آن به اقشار مختلف مردم منطقه و ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی و اقدامات ایجابی در جهت بهبود شرایط زیست‌محیطی منطقه و مقابله با حوادث غیر مترقبه و مبارزه با عوامل آلاینده‌ها استفاده گردد. در پی بررسی‌های بعمل آمده روستائیان منطقه تمایل و توان بیشتر نسبت به مشارکت در توسعه پایدار منابع آب (کیفیت آب، راندمان آبیاری و...) دارند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد کارشناسان و مدیران سازمان جنگل‌ها توجه و تمرکز بیشتری روی این زمینه در طرح حبله‌رود داشته باشند و همچنین مسئولان امر در تمام مراحل اجرایی پروژه، از مطالعه گرفته تا اجرا، دخیل شوند و در تصمیم‌گیری مشارکت نمایند. همچنین ترویج فرهنگ منابع طبیعی بیش از پیش در منطقه صورت پذیرد و از نظرات و پیشنهادهای مردم و مسئولان در بهبود هرچه بیشتر استفاده گردد. این موضوع می‌تواند در مدیریت دانش سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور نیز مفید واقع شود (رجب‌بیگی و همکاران، ۱۳۸۸).

به علاوه، تشکیل کمیته‌های هماهنگ‌کننده اجرای برنامه‌های توسعه آب و خاک، و برقراری ارتباط منطقی با روستائیان و جوامع محلی برنامه‌ریزی اجرایی و مشارکتی با توجه به پتانسیل و ظرفیت‌های بومی هر منطقه با همکاری بهره‌برداران ساکن الزامی می‌باشد. ارتباط بین مدیریت مشارکتی و بهبود برنامه‌ریزی نهادهای سنتی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مدیریت مشارکتی بر این عامل تأثیر دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت مشارکتی یکی از عوامل موثر در بهبود برنامه‌ریزی نهادهای سنتی است. با توجه به اهمیت موضوع، برای تقویت و بهبود برنامه ریزی نهادهای سنتی محلی با استفاده از جوانان و معتمدان محل با نظارت تسهیلگران، می‌توان هسته‌های برنامه‌ریزی در منطقه تشکیل داد. به منظور نظارت، بررسی و ارزشیابی مسائل ارتباطی، می‌توان واحد، دفتر یا گروه نظارت و ارزشیابی در سطوح استانی و ستادی تشکیل داد. واحد، دفتر یا گروه مذکور، مسئول نظارت پیگیری مستمر و مداوم مسائل ارتباطی در روستاها است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷). ارتباط بین مدیریت مشارکت‌جو و حفظ محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفت. می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت مشارکت‌جو از عوامل موثر در حفظ محیط‌زیست است. بنابراین، می‌باید برنامه ریزی صحیح در بهره‌برداری مطلوب از سرزمین، و الزامات زیست‌محیطی رعایت گردد. دانش بومی شناسایی و در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی منابع طبیعی و کشاورزی به عنوان مکمل روش‌های علمی مدیریت، لحاظ گردد. برنامه‌ریزی اجرایی و مشارکتی با توجه به پتانسیل و ظرفیت‌های بومی هر منطقه با همکاری بهره‌برداران ساکن انجام شود. نهادهای مشارکتی،

## منابع

- بساطی، ح. (۱۳۷۹). عوامل موثر در مشارکت کشاورزان استان ایلام در طرح‌های مشترک تحقیقی و ترویجی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، صص ۱-۵.
- حسینی، م.، حسینی، ج. ف. و سلیمانپور، م. (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی استان تهران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۵، شماره ۲.
- حسینی، م.، و اسکندری، ف. (۱۳۸۷). سازوکارهای ارتباطی موجود میان تحقیق و ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۴، شماره ۲.

- رجب بیگی، م، ربیعی، ع، حسینی، م، و ابطحی نژاد، ع. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر مدیریت دانش در موسسه آموزش عالی جهاد کشاورزی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، جلد ۳، شماره ۸.
- شفقتی، م. (۱۳۸۴). اثرات جلب مشارکت مردمی و مدیریت مشارکتی در حفظ و احیاء منابع طبیعی و عملیات آبخوننداری. سومین همایش ملی آبخوننداری، ص ۱۱.
- فقیهی، ا. و رجب بیگی، م. (۱۳۸۲). بالندگی سازمانی، رویکرد های نوین مدیریت در اندیشه و عمل. تهران: موسسه مطالعات و بهره وری منابع انسانی، چاپ اول، ص ۱۶.
- ضیایی، ح. (۱۳۸۰). اصول مهندسی آبخیزداری. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، صص ۱۱-۱۳.
- طوسی، م. ع. (۱۳۷۲). فرهنگ سازمانی. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۱۵.
- طوسی، م. ع. (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۱.
- مافی، ف. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت ودستاوردهای زنان درفاز اول پروژه حبله رود. مجموعه مقالات سمینار برنامه ریزی توسعه مشارکتی آب و خاک کشور، تهران، ص ۹۵.

- Duggan, T. (2011). Relationship between participative management and job satisfaction. *Journal of Economics and Behavioral studies*, 2 (2):11-21.
- Dugglas, M. (2005). International project with Iran and United Nations. *Development Organization Journal*: 20-22.
- Elton, M. (1993). Human problems of industrial civilization. *Mc Magazine*. Milan, New York: 8.
- Gopalakrishnan, H. (2011). Participative management indicates employee empowerment. Available at: <http://www.hindu.com>
- Kim, S. (2002). Participative management and job satisfaction: Lessons for management leadership. *Public Administration Review*, 62 (2): 231- 241.
- Moayedi, F. (2010). Current thinking and future view: participatory management a dynamic system for developing organizational commitment. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2 (2): 250-254.
- Rice, A. K. (1953). Productivity and Social Organization in an Indian Weaving Shed: An Examination of some Aspects of the Socio-Technical System of an Experimental Automatic Loom Shed. *Human Relation*, 6 (4): 297-329.

**Note**

**The Impact of Participatory Management on Soil and Water Sustainability of Hableh Roud Basin**

**R. Rasooli, M. Rajab-Baigy\*, S. Dadashi, and M. Saeedasl<sup>1</sup>**

(Received: May. 11, 2011; Accepted: Mar. 12, 2012)

**Abstract**

This research was conducted to find the impacts of participatory management on sustainability of soil and water resources in Hableh Roud Basin. The statistical population of research included 36 managers and experts who were involved in Hableh Roud project. Structured interview and a questionnaire was used to collect data. The findings of the research showed that there are positive significant relationships between sustainability of water resources, sustainability of soil resources, improvement of rural traditional institutions, and environmental conservation with participatory management as the dependent variable of study.

**Keywords:** Participatory management, Sustainable Development, Hableh Roud Basin, Soil and Water Sustainability.

---

1- Assistant Professor, Payam-e- Noor University, Associate Professor, Institute of Applied- Scientific Higher Education of Jihad-e- Keshavarzi, and M.Sc. Graduated from Payam-e-Noor University, Tehran, Iran, respectively.

\*- Corresponding Author, E-mail: rajabbaigy@gmail.com.